

دریافت شده از پایگاه نشر مقالات حقوقی

حقوق گسترتر.

برای نشر مقالات حقوقی خود

به حق گستر مراجعه کنید.

منتظر شما هستیم.

www.HaghGostar.ir

۱۱۰) یک صد و ده) قاعده فقهی، حقوقی

۱- قاعده ائتمان

متن: «الامین لا یضمن» یا «لیس علی الامین الالیمین»
یعنی: امین ضامن نیست. یا بر امین چیزی جز سوگند لازم نیست.
(القواعد الفقهیه، ج ۲، صص ۴ تا ۱۶- ماده ۶۱۴ و ۶۱۳ قانون مدنی)

۲- قاعده اتلاف

متن: «من اتلف مال الغير فهوله ضامن»
یعنی: هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن آن خواهد بود.
(القواعد الفقهیه، ج ۲، صص ۱۷ تا ۳۹- ماده ۲۳۸ قانون مدنی)

۳- احترام مال مسلمان

متن: «حرمة مال المومن كحرمة دمه» (حدیث نبوی)
یعنی: مال مومن همانند خون وی محترم است. (اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی)

۴- قاعده احسان

متن: «ما علی المحسنین من سبی». (سوره توبه/۹۱)
یعنی بر نیکوکاران ایرادی نیست.
(دکتر ابوالحسن محمدی، قواعد فقه، ص ۴۱- ماده ۳۰۶ قانون مدنی - ماده ۵۵ مجازات اسلامی)

۵- قاعده ارشاد

متن: «اعلام الجاهل علی العالم واجب».
یعنی: اقدام انسان در جهت ضرر خود، مسقط ضمان است.
(دکتر محمدی، قواعد فقه، ص ۲۳۵- ۱۲۱۵ قانون مدنی)

۷- قاعده اقرار عقلا

متن: «اقرار العقلا علی انفسهم جائز»
یعنی: اقرار انسان عاقل به ضرر خود نافذ است.

(تحریر الجملة ، ج ۱، ص ۹۹ ، ش ۶۴ - ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی - ماده ۲۰۲ آیین دادرسی مدنی مصوب
(۱۳۷۹)

۸- « الاقرب یمنع الا بعد »

متن: « الزمواهم بما الزموا انفسهم . »

یعنی: به هر آنچه که غیر خودتان (پیروان مذاهب اسلامی ملتزم هستند ، شما نیز آنان را ملزم کنید .
(توضیح المسائل ، بحث قاعده الزام ، آیه الله خوبی)

۱۰- « البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر »

یعنی: آوردن شاهد بر عهده مدعی و سوگند خوردن بر عهده خواننده است .

(القواعد و الفوائد ، ج ۱ ، قاعده ۱۵۴ ، ص ۴۱۷ - ماده ۱۲۵۷ و ۱۳۲۵ قانون مدنی - ماده ۱۹۷ و ۲۷۲ قانون
آیین دادرسی مدنی)

۱۱- « تصدیق الایمن فیما ائتمن علیه »

یعنی: صاحب مال باید قول امینی را که مال را نزد او امانت گذارده بپذیرد .

۱۲- تعیین

اگر امر دایر بین تعیین و تخییر در انجام وظیفه ای شد، اصل بر حقیقت است .

۱۳- التلف زمن الخيار من مال من لا خيار له .

یعنی: تلف شدن مال در زمان اختیار ، از کیسه آن که حق اختیار ندارد محسوب می شود .
(القواعد الفقهیه ، ج ۲ صص ۶۲ تا ۸۴ - ماده ۳۸۷ قانون مدنی)

۱۵- قاعده حل

متن: کل شی کان مشتبهها بین الحلال و الحرام بحمل علی الحلال .»

یعنی: اگر چیزی مشکوک بین حلال و حرام بود آن را جزء حلال ها محسوب می کنیم .

۱۶- الدین مقدم علی الارث .

یعنی ادای دین ، مقدم بر ارث بردن است . (ماده ۸۶۸ قانون مدنی) .

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، ص ۲۴۰ - ماده ۷۴۰ قانون مدنی)

۱۷ الزعیم غارم . (حدیث نبوی)

یعنی: کفیل باید از عهده مورد کفالت بر آید . (القواعد الفقهیه ، ج ۱ ص ۲۴۰ - ماده ۷۴۰ قانون مدنی)

۱۸ قاعده تسلیط

متن: « الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم . » (حدیث نبوی)

یعنی: مردمبر جان و مال خویش، سلطه و اختیار دارند. (ترمینو لوژی حقوقی، ص ۲۵۸، ش ۲۰۸۳ - اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی)

۱۹- قاعده سوق

یعنی: آنچه در بازار و جامعه مسلمانان عرضه می شود پاک و حلال است مگر خلافش ثابت شود.

۲۰- اصل صحت

متن: « حمل فعل المسلم علی الصحه.»

یعنی: اعمال شخص مسلمان، محمول بر صحت و درستی می باشد. (القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۳۹)

۲۱- عدل و انصاف

یعنی: اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمنصفاته تقسیم می شود.

۲۲- عدم سماع الا انکار بعد الا قرار.

(ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی)

۲۳- قاعده تبعیت عقد از قصد

متن: « العقود تابعه للقصد.»

یعنی: عقدها تابع قصدهای متعاقبین است.

(القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۲۱۲ - ماده ۱۹۱ و ۱۹۴ قانون مدنی)

۲۴- قاعده علی الید

متن: « علی الید ما اخذت حتی تودیہ.»

یعنی: بر صاحب ید است تا آنچه را که گرفته به ذی حقی تحویل دهد.

(القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۲۱ - ماده ۳۰۸ قانون مدنی)

۲۵- قاعده غرور

متن: « المغرور یرجع علی من غره.»

یعنی: فریب خورده به کسی که فریبش داده مراجعه می کند (تا خسارت بگیرد)

(القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۵)

۲۶- قاعده فراش

متن: « الولد للفراش و للعاهر الحجر.» (حدیث نبوی)

یعنی: فرزند به صاحب فراش ملحق است وزانی باید سنگسار شود.

(القواعد الفقهیه، ج ۴ ص ۲۵ - التهذیب، ج ۸ ص ۱۶۸ - ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی)

۲۷- قاعده قرعه

متن: « لکل امر مشکل قرعه .»

یعنی: در هر امر غیر قابل حل باید به قرعه متوسل شود .
(ناصر مکارم شیرازی ، القواعد فقهیه ، ج ۲ ، ص ۱۵۵)

۲۸- کل رهن فانه غیر مضمون .

یعنی: در عقد رهن نباید شرط ضمان قرارداد .
(ماده ۷۸۹ قانون مدنی)

۲۹- قاعده لا یضمن

متن: « کل عقد لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده »

یعنی: هر عقدی که صحیحش ضمان آور نباشد فاسدش هم ضمان آور نیست .

۳۰- کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده .

یعنی: هر عقدی که صحیحش ضمان آور باشد فاسدش هم ضمان آور است .
(سبکی ، الاشباه و الانضائر ، ج ۲ ، ص ۴۵)

۳۱- كلما كان له منفعه محلله مقصوده تصح اجاره .

یعنی: هر چیزی که دارای منافع حلال مورد نظر باشد اجاره دادنش درست است .
(ماده ۴۶۷ و ۴۶۶ قانون مدنی)

۳۲- قاعده لا ضرر

متن: « لا ضرر و لا ضرار فی الا سلام »

یعنی: حکم ضرری در اسلام وضع نشده است .
(القواعد الفقهیه ، ج ۶ ، صص ۹ ، ۱۲ ، ۷۸- اصل ۴۰ و بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی)

۳۳- لا ضمان علی المستعیر .

یعنی: عاریه گیرنده ضامن نیست . (القواعد الفقهیه ، ج ۷ ص ۵- ماده ۶۴۰ قانون مدنی)

۳۴- الممنوع شرعاً کال ممتنع عقلاً .

یعنی: چیزی که شرعاً ممنوع است گویا عقلاً هم ممکن نیست . (تحریر الجمله ، ص ۴۳)

۳۵- لا مسامحه فی التحدیدات .

یعنی چیزهایی که شرعاً اندازه خاصی دارند (آب کر ، مقدار سفر ، بلوغ و ...) قابل مسامحه از جهت کم و زیاد شدن نیستند .

۳۶- لا میراث للقتل .

یعنی: قاتل از ارث مورث، محروم است. (ماده ۸۸۰ قانون مدنی)

۳۷- اصل لزوم

متن: «الاصل فی العقود لزوم.»

یعنی: اصل در عقدها لزوم آنها است (مگر خلافتش ثابت شود) (القواعد الفقهیه ، ج ۴ ، ص ۱۶۳ - ماده ۲۱۹ قانون مدنی)

۳۸- من احيى ارضا فهى له .

یعنی: هر کس که زمینی را احیا کند از آن اوست .

(مواد ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۱ قانون مدنی)

۳۹- من استخراج ماء فهى له .

یعنی: هر کس آبی را استخراج کند از آن اوست. (ماده ۱۵۰ قانون اساسی)

۴۰- من حاز ملك

یعنی: هر کس که حيازت ملكی را نماید مالک آن خواهد شد. (ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مدنی)

۴۱- قاعده من ملك .

متن: « من ملك شيئاً ملك الا قراربه .»

یعنی: هر که مالک چیزی شد می تواند به آن نیز اقرار نماید .

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ص ۷۸)

۴۲- من له الغنم فعليه العزم .

یعنی: آن که منافع را می برد، زیان را هم باید تحمل کند. (التحریر الجملة ، ص ۵۶)

۴۳- نفي سبيل

یعنی: خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطی نداده است (نساء / ۱۴۱)

متن: « و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، ص ۱۵۷ - اصول ۸۱، ۸۲، ۱۵۳، بند ۵ اصل ۳ و بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی)

۴۴- قاعده نفي عسر و حرج

متن: « و ما جعل عليكم في الدين من حرج »

(حج / ۷۸) ترجمه: و خداوند در دین کار سنگین و سختی بر شما قرار نداده .

یعنی: هیچ کمکی نباید موجب عسر و حرج مکلف شود.

(دانشنامه حقوقی ، ج ۳ ، ص ۱۴۴ به بعد - ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

۴۵- وجوب اعلام الجاهل فیما يعطى .

یعنی : اگر کسی چیزی را که خطرناک است به دیگری که جاهل بر آن است بدهد ، باید او را از آن خطر آگاه کند و گرنه ضامن است . ۴۶- وجوب التخلیه بین المال و ملکه
یعنی : باید موانع تملک و سلطه مشتری بر مبیع را بر طرف کند .
(ماده ۳۶۲ قانون مدنی)

۴۷- وجوب دفع الضرر المحتمل

یعنی : دفع ضرر احتمالی واجب است (و نیز دفع افسد به فاسد جایز است)

۴۸- الوقف حسب ما یو قفها اهلها .

یعنی : وقف ها بر اساس آنچه واقفین معین کرده اند عمل می شود .
(مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۵۱۱- ماده ۶۱ قانون مدنی)

۴۹- یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب .

یعنی : هر آنچه که بر اثر خویشاوندی نسبی حرام است ، تر اثر خویشاوندی رضاعی هم حرام خواهد بود

(وسائل الشعبه ، ج ۱۴ ، ص ۲۸۰- ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی)

۵۰- الزرع للزارع و لو كان غاصبا .

یعنی : زراعت و کشت از آن زارع است ولو در زمین غصبی باشد . (ماده ۳۳ قانون مدنی)

۵۱- لا مهر لبغیه .

یعنی : زن زانیه ، مهریه ندارد (قیاس اولویت و مفهوم مخالف ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی)

۵۲- الغاصب یؤخذ باشق الاحوال .

یعنی : با غاصب به شدیدترین احکام رفتار می شود . (جواهر الکلام ، کتاب غصب ، ص ۱۰)

۵۳- لا ینسب للساکت قول .

یعنی به شخص سکوت کننده چیزی منسوب نمی شود . (سبوطی ، الاشباه والنظائر ، صص ۱۴۲ و ۱۴۳-
ماده قانون مدنی)

۵۴- الحاکم ولی الممتنع .

یعنی دادرس بر شخص امتناع کننده از انجام تکالیف ، ولایت دارد . (ماده ۲۳۷ و ۸۳۳ قانون مدنی)

۵۵- الجاکم ولی من لا وای له .

یعنی : دادرس بر کسی که فاقد ولی ات ولایت دارد .
(ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی - ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی)

۵۶- الجاکم وارث من لا وارث له .

یعنی : حاکم وارث شخص بدون وارث است . (ماده ۸۶۶ قانون مدنی)

۵۷- الغائب علی حجه .

یعنی : شخص غائب در دادرسی حق اقامه دلیل دارد .
(القواعد الفقهیه ، ج ۳ ، ص ۸۶- ماده ۳۰۵ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۶)

۵۸- البیعان بالخیار ما لم یفترقا .

(حدیث نبوی)

یعنی : متبایعین تا زمانی که از هم جدا نشده اند حق خیار دارند .
(مجله الاحکام العدلیه ، ماده ۴- کاتو زیان، عقود معین ، ص ۴۶- ماده ۳۹۷ قانون مدنی)

۵۹- الکتاب کالخطاب .

یعنی : نوشته مثل گفته است . (القواعد و الفوائد ، ج ۱ ص ۱۹۸- دانشنامه حقوق ، ج ۴ ، ص ۴۲۲-۴۳۷)

۶۰- الحرام لا یحرم الحلال .

یعنی : عمل حرام بعدی ، حلال قبلی را حرام نمی کند (تهدیب الاحکام ، ج ۲ ، ص ۲۰۸- ماده ۱۰۵۵
قانون مدنی)

۶۱- الحق القدیم لا یبطله شی

یعنی : چیزی نمی تواند حق به وجود آمده قبلی را از بین ببرد . (ماده ۹۷ قانون مدنی)

۶۲- الحق للمتقدم .

یعنی : اگر کسی ابتدا اقدام به ایجاد حقی نماید نسبت به آن بر دیگران اولویت دارد . (ماده ۱۴۲ قانون
مدنی)

۶۳- الخراج با لضمنان .

یعنی : منافع در مقابل ضامن بودن است . (شرح الجملة ، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷)

۶۴- الساقط لا یعود کما ان المعدوم لا یعود .

یعنی : حق ساقط شده باز نمی گردد همچنان که چیز از بین رفته حیات نمی یابد .

(تحریر الجملة ، ج ۱، صص ۳۶ و ۳۸ - بند ۳ ماده ۲۶۴ و مواد ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مدنی)

۶۵- الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً احل حراماً و حرم حلالاً .

یعنی: عقد صلح بین مسلمانان جایز است مگر صلحی که بخواهد حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید .

(القواعد الفقہیہ ، ج ۵ ، صص ۸ و ۳۹ ماده ۷۵۴ قانون مدنی)

۶۶- الشرط جائز بین المسلمین الا شرطاً احل حراماً او حرم حلالاً .

جایز یعنی: شرط کردن بین مسلمانان است مگر شرطی که حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید .

(تحریر الجملة ، صص ۷۵ و ۷۶ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۷- الشرط الفاسد لیس بمفسد .

یعنی: شرط فاسد عقد را باطل نمی کند .

(القواعد الفقہیہ ، ج ۴ ، صص ۲۰۰ ، ۲۱۷ ، ۲۱۸ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۸- الطلاق بید من اخذ بالساق .

(حدیث نبوی) یعنی: طلاق به دست کسی است که عقد به دست اوست . (مرد)

(حقوق خانواده ، محقق داماد ، صص ۱۳۶ و ۱۳۷ - ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)

۶۹- اکل مال به باطل .

متن: یا ایها الذین امنوا لا تا کلو اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم... (نساء / ۲۹)

یعنی: امال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر این که بر اساس تجارتی رضایت آمیز باشد .

۷۰- المومنون عند شروطهم . (حدیث نبوی)

یعنی: مومنان به شرطهایشان پایبندند . (محقق داماد ، قواعد فقه ، بخش مدنی ۲ ، ص ۳۷)

۷۱- نهی النبی عن الغرور . (حدیث نبوی)

یعنی معامله غرری (زبان آوری که نتیجه آن نامعلوم است) باطل است .

(دکتر محمدی ، مبانی استنباط حقوق اسلامی ، ص ۹۴)

۷۲- اوفوا بالعقود . (متنده / ۱)

یعنی: به پیمانها و قراردادهای خود وفا کنید . (ماده ۱۰ قانون مدنی)

قواعد کیفری

۷۳- لا تقيه في الدماء .

یعنی: جایی که پای جان در میان است تقيه جایز نیست .
(وسائل الشعبه ، ج ۱۱ ، ص ۴۸۳- مکاسب ، ج ۴ ، ص ۳۵۶)

۷۴- عمد الصبي بمنزله الخطأ-

یعنی: فعل عمدی کودک همانند فعل خطایی محسوب می شود .
(القواعد و الفوائد ، ج ۱ ، ص ۲۲۳)

۷۵- لا كفاله في الحد . (حدیث نبوی)

یعنی: شفاعت کردن و درخواست به تأخیر انداختن ، در حدود جایز نیست .
(ترمینو لوژی حقوق ، ش ۴۵۰۸)

۷۶- قاعده جب .

متن: الاسلام يجب ما قبله . (حدیث نبوی)
یعنی: مسلمان شدن ، گناهان پیش از آن را پاک می کند .
(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، صص ۳۹، ۳۶ ، ۴۶- اصا ۱۶۹ قانون اساسی - ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی -
ماده ۴ قانون مدنی)

۷۷- اقامه الحدود الى من اليه الحكم .

یعنی: اجرای حدود و مجازلت ها به دست حاکم است . (اصل ۳۶ قانون اساسی)

۷۸- الامتناع با لا اختيار لا ينافي الاختيار .

یعنی: از روی اختیار و قدرت اگر باعث تحقق چیزی شویم ، موجب نمی شود که فاعل را مسلوب
الاختيار تلقی کرد .
(دائره المعارف حقوق ، ج ۵ ، ص ۵۰ ، - ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی)

۷۹- قاعده درا .

متن: الحدود تدرا بالشبهات .

یعنی: اجرای حدود با حصول شبهه متوقف می شود .
(الاشباه و النظائر ، صص ۱۲۲ و ۱۲۳- مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۰- دم المسلم لا يذهب هدرا .

یعنی: خون مسلمان نباید پایمال شود . (مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی)

۸۱- الضرورات تتقدر تقدرها .

یعنی: در موارد ضروری باید به حداقل اکتفا کرد . (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

۸۲- الضرورات تبيح المحظورات . (حقوق رم legemetrnecessitas non bab)
یعنی : ضرورتها باعث مباح شدن امور ممنوعه می شود .
(سوره مائده ۳-سبوطی ، الشباه و النظایر ، ص ۶۰- ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

۸۳- قاعده ارش .
متن : کل جنایه لا مقدر لها ففیها ارش .
یعنی : بر هر جنایتی که دیه اش معین نشده ، ارش تعلق می گیرد .
(ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۴- کل عضو تقتص منه مع وجوده توخذ الدیه مع فقهه .
یعنی : هر عضوی که موجود است باید قصاص شود و در صورت فقدان ، به جایش دیه گرفته می شود .
(ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامی)

۸۵- قاعده اضطرار
متن : کل محرم اضطر ، الیه فهو حلال .
یعنی : در حال اضطرار ، هر حرامی حلال می شود . (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

۸۶- کل من لم یباشر بالقتل لم یقتص منه
یعنی : هر فردی که مباشر قتل نباشد قصاص نمی شود . (تبصره ۱ ماده ۲۶۹ و ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۷- لا دیه لمن قتله الحد
یعنی : دیه به کسی که بر اثر اجرای حد کشته شده باشد ، تعلق نمی گیرد . (ملاک ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی)

۸۸- لا ربا الا فیما یکال او یزون
یعنی : ربا جز در اموال مکیل و موزون جاری نیست . (ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی)

قواعد اصولی و مشترک

۸۹- قاعده اذن .

متن : الاذن فی الشیئی اذن فی لوازمه .
یعنی : اذن دادن در چیزی ، اذن در لوازم آن نیز هست .
(القواعد و الفوائد ، ج ۲ ، ص ۷۰ ، قاعده ۱۶۷)

۹۰- قاعده اشتراک
متن : همه مسلمانان در همه عصرها و زمانها نسبت به تکلیف شرعیه بکسانند .

۹۱- قاعده تساقط
متن : اگر دو دلیل با هم معارض بودند هر دو از درجه اعتبار ساقطند .

۹۲- وان الظن لا یغنی عن الحق شیئاً (سوره نجم / ۲۸)
یعنی : وگمان ، هیچ گاه چیزی از حق را بر ما روشن نمی سازد .

۹۳- الولد یلحق بأشرف الوالدین
یعنی : فرزند به والد شریف تر (مسلمان) تعلق می گیرد . (از حیث مسلمان بودن)
۹۴- عدل و انصاف
متن : اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمناصفه تقسیم می گردد

۹۵- فحوا
رعایت مفهوم موافق در جمله یا دستور و سرایت دادن حکم از فرد ضعیف به فرد قوی .
مثل آیه (لا تقل لهما أف) که به طریق اولی ، ضربو شتم والدین را هم نهی می کند .

۹۶- مقدمه واجب ، واجب است ولی مقدمه حرام ، حرام نیست مگر موصل به حرام باشد .
۹۷- قاعده تلازم

متن : کلما حکم به العقل حکم به الشرع و کما حکم به الشرع حکم به العقل
یعنی : بر هر چه که عقل حکم کند ، و بر هر چه که شرع حکم می کند ، عقل هم حکم می نماید .

۹۸- الممنوع شرعاً کالممتنع عقلاً
یعنی : چیزی که شرعاً ممنوع است گویا عقلاً هم قابل انجام نیست . (تحریر الجملة ، ص ۳۴)

۹۹- اجتهاد در مقابل نص جایز نیست . (تحریر الجملة ، ج ۱ ، ص ۲۱- اصل ۱۶۷ قانون اساسی)

۱۰۰- المیسور لا یسقط بالمعسور
یعنی : کار قابل انجام دادن به واسطه حدوث کار غیر ممکن ، از گردن ساقط نمی شود . (القواعد الفقهیه
ج ۴ ، ص ۱۲۱)

۱۰۱- اعمال الکلام اولی من اهماله

برای کلام و عبارت به کار رفته ، معنی و مفهوم قایل شدن ، بهتر از بیهوده پنداشتن آن است.

۱۰۲- الاصل دلیل حیث لا دلیل

اصل در جایی قابل استناد است که دلیل قانونی موجود نباشد .
(عوائد الایام ، ص ۷۳- مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی)

۱۰۳- المطلق ینصرف الی فرد شائع

معنی و مفهوم موضوع مطلق ، به فرد شایع و رایج آن منصرف است .

۱۰۴- قبح تأخر بیان در وقت حاجت

بیان نکردن مراد و مقصود در موقع نیاز بدان ناپسند است ، ولی سکوت در وقت بیان خود نوعی بیان است .

۱۰۵- ما من عام الاو قد خص

هیچ عامی نیست که تخصیص نخورده باشد .

۱۰۶- وصف به موصوف نزدیک تر بر می گردد.

اگر چند موصوف با یک وصف بیان شده باشند آن وصف ، متعلق به موصوف آخر خواهد بود .

۱۰۷- مورد ، مخصص نیست .

اگر چیزی برای مورد خاصی ذکر شده باشد ، دلیل بر آن نیست که فقط به آن مورد خاص اعلق دارد.

۱۰۸- الاجتهاد لا ینقض بمثله

اجتهاد را اجتهاد دیگر نقض نمی کند . (الاشبا ه و النظایر ، ص ۴۱- تحریر الجماه ، ج ۱ ، ص ۲۲)

۱۰۹- اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

اگر احتمال به جایی وارد شود استدلال فایده ای ندارد. (دکتر محمدی ، قواعد فقه ، ص ۱۶۱)

۱۱۰- اذا زال المانع عادالممنوع

اگر مانع بر طرف شود موضوع منع شده به جای خود بر می گردد. (دانشنامه حقوقی ، ج ۴ ، صص ۴۳۲- ۴۳۷)

****گرفته شده از پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر www.haghgostar.ir****